

# میثاق فطرت

**پیامبران و همهٔ معلمان که از جنس پیامبران اند باید ادای میثاق فطرت کنند و نگذارند این روشنای شکوهمند و درخشان درونی تار شود و زنگار بگیرد**

در برنامهٔ درسی ملی و در گفتار و نوشتار بسیاری از گویندگان و نویسندگان، فطرت توحیدی، حیات طیبه و گاه حیات معقول، منزل و مقصد نهایی همهٔ برنامه‌ها و آموزه‌ها و فعالیت‌های آموزش و پرورش شناسانده می‌شود اما وقتی با این پرسش بزرگ مواجه می‌شویم که فطرت توحیدی چیست و برای رسیدن به آن کدام «فعالیت عینی، محسوس و برنامه‌مدار» را باید پیش رو داشت، معمولاً پاسخ‌هایی کلی، مبهم و پیچیده می‌یابیم و می‌شنویم، که نه تنها گره نمی‌گشایند که گره می‌افزایند و گیجی و سردرگمی می‌نمایند!

در این مقال و مجال تنگ و محدود سر آن نداریم که این واژه‌ها را تعریف و کرانه‌ها و گم‌گوشه‌ها و گم‌بودهای آن‌ها را روشن کنیم. آنچه از فطرت و ابعاد آن و جلوه‌ها و ساحت‌های آن دریافت می‌شود، همان است که با عنوان‌هایی چون جمال‌گرایی (میل به زیبایی)، خیر‌گرایی (زیبایی در گفتار و رفتار یا به دیگر زبان اخلاق)، میل به پرستش (عشق به وجه لایزال هستی)، میل به خلود (جاودانگی و مانایی و معاد) شناسانده می‌شود.

بر این اساس، انسان فطرت پرورده در پی زیبایی است، ادبیات متکفل زیبایی در واژه است، هنر، متکفل زیبایی در تصویر، صدا و حرکت است و این زیباخواهی به جمال جمیل زیباآفرین پیوند می‌یابد؛ به او که زیباست و زیبایی را دوست دارد!

در ساحت خیر‌گرایی، همهٔ درس‌ها و رشته‌ها نیز سهیم و مسئول‌اند. هیچ درسی نیست که سهمی در زیبایی و خیر نداشته باشد؛ فیزیک، ساختارهای زیبا را می‌گوید، شیمی، ترکیب‌های زیبا، ریاضی کمیت‌های زیبا، زیست‌شناسی، جلوه‌های زیبای حیات و دیگر رشته‌ها هر یک برای زیست بهتر (خیر) و تعالی انسان (حیات طیبه و معقول) و چشم‌اندازهای دورتر (خلود) و پیوند انسان با

بی‌نهایت زیبایی و خیر، تکاپو و تلاش دارند. همهٔ برنامه‌های درسی و همهٔ درس، آیت و آیینه و پیوندگاه هستی و فطرت (سرشت) انسانی‌اند و پیامبران همه و همه آمده‌اند تا به تعبیر زیبا و رسای علی(ع) پاس این میثاق فطرت بدارند و پای بر این پیمان شگفت و شیرین بفشارند.

پیامبران و همهٔ معلمان که از جنس پیامبران‌اند باید ادای میثاق فطرت کنند و نگذارند این روشنای شکوهمند و درخشان درونی تار شود و زنگار بگیرد؛ لیست‌آدوهم میثاق فطرت<sup>۱</sup>.

اگر برنامه و درس و کلاس به تشنگی روح انسان در رسیدن به زیبایی پاسخ نگوید، میثاق فطرت را پاس نداشته است.

اگر برنامه و درس و کلاس، برانگیزانندهٔ دانش آموز برای خیرخواهی و خوبی و راستی و درستی نباشد، برنامه و درس و کلاس ناکام و شکست خورده است.

اگر ره‌آورد و فرآوردهٔ آموزش و پرورش ما پنجره‌ای به جاودانگی (خلود) «نگشاید» و آن سوی دیوارهای این جهان را در معرض نگاه و تماشای دانش آموز «نماید»، جز مردگی و پژمردگی فرجام و سرانجامی نخواهد داشت و اگر همهٔ این امکانات آموزشی نتوانند پیوندگاه جان و جهان دانش‌آموزان برای پروازهای بلند باشند، زیر این سقف‌های کوتاه و بونناک، رنگ و درنگ می‌پذیرند و مرداب می‌شوند.

جلوه‌های این میثاق فطرت چیست؟

ان‌شاءالله در مجالی فراخ‌تر، در این زمینه بیشتر سخن خواهیم گفت.

بر میثاق فطرت باشیم.

ان‌شاءالله

## منابع

۱. تفسیر العیاشی: ج ۲، ص ۱۴، الکافی: ج ۶، ص ۴۳۸، شرح اصول کافی: ملاصالح مازندرانی، ج ۱، ص ۳۱۱.
۲. نهج‌البلاغه: خطبهٔ اول